

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

دوران بین اقل و اکثر در شبهات تحریمیه

سخن مرحوم نائینی: یکی از مطالبی که مرحوم محقق نائینی در بحث اقل و اکثر ارتباطی مطرح فرمودند جریان اقل و اکثر در شبهات تحریمیه است. بحث هایی که تا به حال مطرح کردیم در شبهات وجوبیه بود. آیا سوره جزء نماز است یا خیر؟ در شرایط واجبات و موانع واجبات بود، اما ببینیم که اقل و اکثر در شبهات تحریمیه چیست؟ مثالی که خود مرحوم نائینی در جلد چهارم فوائد الاصول صفحه 148 به آن اشاره می کند این است که مفهوم غنا مردد است بین اینکه آیا غنا مطلق ترجیع الصوت است یا به قید اینکه این صوت مرجع باید مطرب هم باشد. آیا غنای محرم همان ترجیع است؟ ترجیع الصوت یعنی گرداندن صدا در حلق، یا علاوه بر ترجیع عنوان مطرب بودن هم دخالت دارد. اینجا شبهه تحریمیه است، نمی دانیم کدام حرام است و دوران بین اقل و اکثر هم هست، آیا مطلق ترجیع حرام است یا ترجیع مطرب حرام است؟ و از طرفی شبهه هم شبهه مفهومی است، گاهی اوقات می شود شبهه موضوعیه باشد یا شبهه مصداقیه، ولی هم می تواند عنوان مفهومی را داشته باشد، شبهه مفهومی مرده ی بین الأقل و الأكثر در شبهات تحریمیه.

مطلب نخست: اولین مطلب مرحوم نائینی این است که می فرمایند شبهه ی تحریمیه از نظر مشکوک بودن و معلوم بودن عکس شبهه وجوبیه است. در شبهات وجوبیه می گفتیم اقل معلوم و متیقن است و اکثر مشکوک است. اما در شبهه ی تحریمیه می گوئیم اقل مشکوک و اکثر متیقن است. به این معنا می گوئیم صوت مرجع مطرب که اکثر است یقینی الحرامه است، یعنی آن غنایی که یقیناً حرام است صوت مشتمل بر ترجیع و طرب است، اما اقل برای ما مشکوک است، یعنی در جایی که صوت فقط مشتمل بر ترجیع باشد برای ما از جهت حرمت مشکوک است. پس شبهه تحریمیه از نظر مشکوک و یقینی بودن عکس شبهه ی وجوبیه است، در شبهه وجوبیه اقل یقینی الوجوب است و اکثر مشکوک الوجوب، در شبهه ی تحریمیه اقل مشکوک الحرامه است و اکثر یقینی الحرامه است.

مرحوم نائینی می فرماید به نظر ما همانطوری که در شبهات وجوبیه برائت را جاری می کردیم، اینجا هم نسبت به حرمت اقل، یعنی آن مورد مشکوک، در شبهات وجوبیه مورد مشکوک ما اکثر است، آنجا برائت از وجوب اکثر را جاری می کردیم، اینجا آنچه که برای ما مشکوک است حرمة الأقل است، نمی دانیم آیا مرجع بودن تنها حرام است یا خیر؟ اصل برائت عن الحرامه است. می فرمایند ما برائت از حرمت اقل را جاری می کنیم. بعد می فرمایند فرقی نمی کند شبهه حکمیّه باشد یا موضوعیه باشد، اقل و اکثر ارتباطی باشد یا غیر ارتباطی باشد، تردید بین اقل و اکثر در متعلق تکلیف باشد یا در موضوع تکلیف که قبلاً مثال هایش را بیان کردم.

مطلب دوم: مرحوم نائینی می فرمایند کسانی که در شبهه ی وجوبیه قائل به احتیاط شدند اینجا هم احتیاطی می شوند، عبارت این

است: « و الَّذي خالف في جريان البراءة في الشبهات الوجوبية ينبغي أن لا يقول بجريانها في الشبهات التحريمية أيضا، لاتحاد ملاك النزاع في المقامين و لكن الأكثر لم يتعرضوا لحكم الشبهات التحريمية. »؛ می‌فرماید هر کسی در باب شبهات وجوبیه احتیاطی شده، در شبهات تحریمیه نیز باید قائل به احتیاط شود، زیرا ملاک نزاع در شبهات وجوبیه و تحریمیه یکی است. آنهایی که در شبهات وجوبیه می‌گفتند اشتغال یقینی برائت یقینی می‌خواهد، یا از راه مسئله‌ی ملاک وارد شده و اصالة الاحتیاطی می‌شدند، اگر یادتان باشد سه یا چهار راه برای احتیاط در شبهات وجوبیه وجود داشت که عمده‌ی راههایش همین بود که یک تکلیفی متوجه ما هست، اشتغال یقینی هست، برائت یقینی لازم دارد برای اینکه برائت یقینی پیدا کنیم در شبهات وجوبیه باید اکثر را بیاوریم، در شبهات تحریمیه باید اقل را ترک کنیم. شارع فرموده غنا حرام است، ما برای اینکه از این حرمت اجتناب کنیم نمی‌دانیم صوت مرجع تنها هم عنوان غنا را دارد یا خیر؟ برای اینکه یقین به امتثال داشته باشیم از این هم باید اجتناب کنیم، بعد نائینی می‌فرماید البته اکثر اصولیین متعرض این بحث اقل و اکثر در شبهات تحریمیه نشده‌اند ولی ما می‌خواهیم بگوئیم هر کسی که در شبهات وجوبیه احتیاطی است در شبهات تحریمیه هم باید احتیاطی بشود.

اشکال مرحوم عراقی:

مرحوم محقق عراقی اعلی الله مقامه الشریف در حاشیه فوائد الاصول اشکالی بر محقق نائینی دارند و می‌فرمایند شما طوری حرف زدید که اصلاً مقصودتان را نمی‌فهمیم؟ مرحوم عراقی در حاشیه فوائد از این گونه تعبیرات زیاد استفاده کرده است. گاهی اوقات مرحوم نائینی سه چهار صفحه مطلب و تحقیق ارائه می‌دهد، مرحوم عراقی در حاشیه‌اش می‌گوید «کله‌اش شعر، کله‌اش بلا دلیل» از این تعبیرات دارد.

حالا حرف عراقی این است که می‌فرماید ممکن است کسی در شبهات وجوبیه قائل به احتیاط باشد اما در شبهات تحریمیه قائل به احتیاط نشود و این ملازمه صحیح نیست. چرا؟ مرحوم عراقی می‌فرماید بین حرام مرکب و واجب مرکب فرق وجود دارد. در حرام مرکب شما اگر تمام اجزاء این مرکب را بیاورید الا آن جزء آخر را، عقل می‌گوید همین مقدار در امتثال کافی است، عقل می‌گوید همین که شما آن جزء آخر را ترک کنی در امتثال کفایت می‌کند ولو اینکه شروع به اتیان بقیه‌ی اجزاء کرده باشید.

من یادم هست که یک کسی از بستگان از مرحوم والدمان رضوان الله علیه راجع به دَف سؤال کرد، دَف خودش یک عنوان مرکبی دارد، سؤالش این بود که اگر این زنگوله‌های اطرافش را برداریم اشکالی دارد؟ ایشان فرمودند دیگر اشکال ندارد چون یک جزء این مرکب از بین رفت، آنچه متیقن از حرمت است این مرکب با این خصوصیات است، این در روایات متعلق برای حرمت قرار گرفته است. البته بعداً هم فرمودند با وجود آن زنگوله‌های اطرافش اگر عنوان آلت منحصره‌ی حرام را داشته باشد، این چنین است و الا اگر آلت مشترک شد، اگر به قصد حلال استفاده شود، مانعی ندارد. علی‌ای حال این مطلب خیلی روشن است، در حرام مرکب اگر کسی تمام اجزاء یک حرامی را بیاورد اما آن جزء آخر حرام را نیاورد، همین مقدار عقل می‌گوید کافی در امتثال مولاست، اما به خلاف واجب مرکب، از همان جزء اول را اگر ترک کند عصیان محقق شده، چون واجب اگر یک جزءش هم ترک شود عصیان محقق می‌شود، بخلاف حرام که اگر جزء آخر آورده شود عصیان محقق می‌شود، آن وقت مرحوم محقق عراقی می‌فرمایند «فالقائل بالاحتیاط فيه له أن يدعي بأن الاشتغال بوجوب الأقل يقتضي تحصيل الفراغ عنه، و لا يحصل إلا بإتيان الأكثر، و هذا بخلاف الحرمة، فإن الاشتغال بالحرام لا يقتضي إلا الفراغ عن المجموع، و مع الشك في دخل شيء آخر يشك في الاشتغال بالأقل، و حينئذ كيف للقائل بالاحتیاط في الواجبات أن يقول به في المحرمات؟» می‌فرمایند قائل به احتیاط در شبهات وجوبیه می‌گوید ما نسبت به اشتغال به وجوب اقل یقین داریم، لذا باید تحصيل فراغ از آن بشود، تحصيل فراغ از اقل نمی‌شود الا اینکه اکثر آورده شود، برای اینکه این اقل یا واجب ضمنی است یا استقلالی که بحثش گذشت، ما اگر بخواهیم کاری بکنیم که یا ضمنی بودن یا استقلالی بودن هر کدام در واقع محقق شود، این لا یمکن إلا بإتيان الأكثر، «بخلاف الحرمة، فإن الاشتغال بالحرام لا يقتضي إلا الفراغ عن المجموع»؛ اشتغال به حرام فقط اقتضا دارد فراغ از مجموع را، «و مع الشك في فرض شيء آخر يشك في الاشتغال بالأقل»، در اینکه آیا ذمه‌ی ما از نظر حرمت تنها به مرجع بودن مشغول است یا نه، شك داریم و نسبت به این برائت جاری می‌کنیم. پس مرحوم محقق عراقی اعلی الله مقامه الشریف می‌فرمایند ملازمه‌ای وجود ندارد، شما

اگر در شبهات وجوبیه احتیاطی شدید برای اینکه واجب مرکب اگر يك جزءش هم آورده نشود امتثال محقق نمی‌شود، احتمال می‌دهیم جزء اکثر جزء واجب مرکب باشد و لذا تمام آن باید آورده شود، و اگر يك جزء اکثر ترك شود كل واجب عصیان شده است. اما به خلاف حرام مرکب است که حرام مرکب اگر آنجا تمام اجزاء مرکب را هم بیاوری و فقط جزء آخر را نیاوری امتثال کردی، حرمت به این است که شما مجموع را بیاورید. پس در نتیجه در اینجا در شبهات تحریمیه اگر صوت مرجع و مطرب باشد، یقین داریم این حرام است، اما اگر مرجع به تنهایی باشد عرض می‌کنم که این مشکوک است و می‌توانیم نسبت به این اصالة البرائه را جاری کنیم.

ببینید ما يك وقت می‌خواهیم بگوئیم نمی‌دانیم مفهوم غنا ترجیع است یا ترجیع بعلاوه‌ی مطربیت؟ آن وقت می‌گوئیم در این قید زائد (یعنی مطربیت) شك داریم، که این مطربیت دخالت دارد یا نه؟ مرجع بودن مسلم دخالت دارد، اما نمی‌دانیم آیا مطربیت در مفهوم غنا دخالت دارد یا نه؟ اگر این راه را بخواهیم طی کنیم کما اینکه از عبارات مرحوم محقق نائینی که اشاره‌ای می‌کنند به این مطلب، شاید این مطلب هم در آن باشد که از حیث مفهومی آیا فقط مرجع است یا مرجع بعلاوه‌ی قید زائد است؟ ما شك می‌کنیم شرطیت این مطربیت را برای ترجیع. آنهایی که در شبهه‌ی وجوبیه برائتی شدند اینجا هم می‌گویند اصل برائت از شرطیت است، این شرط نیست و اگر این شرط نشد اصلاً دیگر نباید بگوئیم بین تحریمیه و وجوبیه فرق است. از نظر اینکه علم اجمالی از نظر مفهومی انبساط پیدا کند می‌گوییم مرجع بودنش مسلم است و قید زائد را در آن شك داریم، برائت از این شرطیت است. اگر این راه را طی کنیم نتیجه‌اش این می‌شود که مطلق ترجیع در حرمت کفایت می‌کند، آن شرطیت مطربیت هم لازم نیست و نتیجه با قول قائل به احتیاط یکی می‌شود. از این جهت می‌گویم حق با مرحوم نائینی است، آنهایی که آنجا برائتی شدند اینجا هم برائتی می‌شوند، آنهایی که آنجا احتیاطی شدند اینجا هم احتیاطی می‌شوند.

يك انحلالی را قبلاً مطرح کردیم، انحلال در تنجیز است. می‌گوئیم آن مقداری که از نظر حرمت و عقاب برای ما منجز است ترجیع بعلاوه‌ی مطربیت است. اما ترجیع تنها در اینکه آیا این استحقاق عقاب دارد و موضوع برای عقاب باشد را تردید داریم. آنچه که مرحوم محقق عراقی بیان می‌کند که به ذهن می‌آید اصل این مطلب انحلال در تنجیز را قبلاً هم در کلمات مرحوم عراقی داشتیم، شما در مباحث قبل مراجعه کنید، اگر این را بگوئیم که حق با مرحوم عراقی است، مرحوم عراقی می‌گوید در شبهات وجوبیه قائل به احتیاط می‌گوید به يك واجبی ما اشتغال یقینی داریم و فراغ یقینی‌اش به این است که اکثر را بیاوریم، در تحریمیه می‌گوئیم يك عقاب یقینی داریم و آن در جایی است که اکثر باشد، اما در مورد اقل شك می‌کنیم به مجرد اینکه کسی اقل را انجام داد یا نه؟ استحقاق عقاب دارد یا نه؟ در اینجا تنجز وجود ندارد. لقائل آن یقول که در شبهات وجوبیه احتیاطی بشود اما در شبهات تحریمیه برائتی شود.

می‌خواهم این را عرض کنم که فرمایش مرحوم محقق عراقی و عدم وجود ملازمه روی این مبنا درست است، روی این مبنا که ما مسئله‌ی انحلال را ببریم در باب تنجیز، اما اگر مسئله‌ی انحلال را کاری به عقاب قیامت و اینها نداریم، می‌گوییم حرمت نمی‌دانیم به ترجیع تعلق پیدا کرده یا به ترجیع بعلاوه‌ی مطربیت، کاری به عقاب اخروی‌اش هم نداریم، بحث ما در اصل تعلق تکلیف به اینجاست. می‌گوئیم در اینکه تکلیف نسبت به این مطربیت تعلق پیدا کرده، اگر در این بیان روی این بیان در شبهه‌ی وجوبیه برائتی شدیم اینجا هم برائتی هستیم، در تحریمیه احتیاطی شدیم اینجا هم باید احتیاطی شویم، از این جهت فرقی وجود ندارد. لذا می‌توان کلام مرحوم عراقی و مرحوم نائینی را با این بیان جمع کرد.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين